



## اهمیت فراگیری مباحث عقیدتی

Dr. Bagherpour Kashani





## اهمیت فراگیری مباحث عقیدتی

◆ اندیشه‌جو:

فرمودید مجلس علمی و بحث علمی، این ثواب‌ها و پاداش‌ها را دارد، این‌ها همه محفوظ و سر جای خودش؛ ولی به‌طور کلی می‌توانید صحبت کنید راجع به این قضیه که چه دلیلی دارد ما بیاییم سر همچین بحث‌هایی و کلاس‌هایی بشینیم؟! چه چیزی قرار است به ما اضافه شود و چه انگیزه‌ای می‌تواند برای ما وجود داشته باشد که ما دنبال این بحث‌ها و صحبت‌ها باشیم؟!

◆ استاد باقرپور کاشانی:

من یک نکته‌ای به شما بگویم در مورد اهمیت این بحث‌ها؛ روش کار انبیاء و کتاب آسمانی همین بوده! شما نگاه کنید ارسال رسل برای چیست؟ انبیاء را خداوند برای چه فرستاده؟!

اگر بحث سر این است که به پیشرفت امور مادی باشد، که این پیشرفت خودش دارد طی می‌شود! از دو هزار سال پیش، پنج هزار سال پیش، با همین تجربه و حس، با همین عقلی که بشر دارد، روز به روز در حال پیشرفت است!



## اهمیت فراگیری مباحث عقیدتی

بنابراین برای این نیازی به نبی الهی نداریم! نیازی به کتاب آسمانی نداریم! مگر الان این همه پیشرفتی که دارند می‌کنند، این‌ها مثلاً قرآن رفتند خواندند؟! انجیل رفتند خواندند؟! تورات رفتند خواندند؟! طرف آتئیست هست اصلاً این حرف‌ها را قبول ندارد! ولی نگاه می‌کنی که دانشمند قدری هست! طرف ماتریالیست هست می‌بینی این حرف‌ها را قبول ندارد! اصل وجود خدا را انکار می‌کند! اما می‌بینی در مسائل مادی خیلی کارها کرده! خیلی کشفیاتی داشته! اینکه نیازی نیست!

لذا ما اصلاً شأنیت انبیاء و شأنیت قرآن را نمی‌گوییم بیاید به ما فیزیک بگوید!

بله موجب جزئیة وقتی نگاه می‌کنیم در قرآن مسائل فیزیک هست، مسائل شیمی هم هست، مسائل ریاضیات هم هست، مسائل زمین‌شناسی هم هست، ولی آیا قرآن و انبیاء آمدند به ما آموزش بدهند که مثلاً چگونه هواپیما بسازیم؟! چگونه کشتی بسازیم؟! چگونه مثلاً تلفن همراه بسازیم؟! نه!



## اهمیت فراگیری مباحث عقیدتی

برای چه چیزی انبیاء الهی آمدند؟! کتب آسمانی از چه جهت هست؟! برای همین معرفت هست!

یعنی خداوند متعال، این‌ها را فرستاده که یک‌سری اموری که انسان با عقل می‌تواند به آن برسد و می‌رسد از باب تذکر؛ خیلی از آیات قرآن از باب تذکر هست، همان چیزی که با عقل می‌رسد انبیاء هم تذکر می‌دادند.

یک‌سری اموری هست که عقل به تنهایی می‌تواند به آن برسد اما استبعاد دارد، بعید است! نیاز به یک معلم دارد، از باب تعلم من ذی علم یک‌نفر باید به او آموزش بدهد.

مثل این می‌ماند که هر کدام از شما الان فرض کنید ریاضی نخواندید، به تنهایی امکانش هست که شما بروید در یک اتاقی، ده سال تحقیق بکنید به پیشرفت ریاضی که الان هست برسید، ولی خیلی بعید است! ولی باز هم ضد عقل نیست محال نیست، به‌خاطر اینکه همین بشر رسیده با همین عقل!



## اهمیت فراگیری مباحث عقیدتی

اما اگر شما بروید پای درس یک استاد بنشینید، استاد هم نمی‌گوید تعبد بکن، نمی‌گوید این انتگرال که می‌گویی چون من می‌گویم بگو! نه! همه روی اصول هست، همه رو مبانی هست! می‌گوید این‌جا این‌طوری بکن، این فرمول را این‌طوری بکن، بعد که همه را قبول می‌کنید می‌روید سر درس بعدی، مطلب بعدی، باب بعدی از مباحث ریاضیات می‌رسید.

خیلی از وقت‌ها انبیاء الهی، کتب آسمانی آمدند یک چیزهایی که عقل انسان می‌تواند به آن برسد، این‌ها را آموزش دادند، دست عقل را گرفتند رساندند به مطلوب خودشان. اما یک‌سری اموری هست امور غیبی هست، یعنی اصلاً در سعه و شعاع عقل نمی‌گنجد! عقل نمی‌تواند جواب بدهد! مثلاً اینکه کیفیت معاد چیست؟! عوالم قبل چیست؟! عوالم بعد چیست؟! آیا با عقل می‌رسیم که باید نماز بخوانیم؟! یعنی اگر انبیاء نمی‌گفتند، شما نماز می‌خواندید؟! با عقل می‌توانید برسید که حتی روزه باید بگیرید!؟



## اهمیت فراگیری مباحث عقیدتی

خیلی از امور و باید و نبایدهایی که در ارتباط با دین هست، خیلی از اموری که نسبت به مسائل قیامت و آخرت و برزخ هست، خیلی از اموری که در مورد قواعد و قوانین حاکم در این عالم هست که برای ما قابل شهود نیست و حسی نیست، اینها کار چه کسی هست؟! کار انبیاء هست!

لذا آنقدر برای خداوند متعال بحث علم مهم بود که انبیاء را فرستاده از باب اینکه علم را انتقال بدهند، کتاب آسمانی را فرستاده از باب اینکه علم را انتقال بدهند!

پس سؤال شما این بود که به چه انگیزه‌ای به چه دلیلی؟! می‌گوییم به خاطر اینکه اصلاً خداوند متعال ما را خلق کرده برای عبادت و پرستش، نه اینکه او نیاز دارد! کمال ما در عبادتش هست، عبادت خداوند، اطاعت پروردگار، تکامل بشر، چگونه میسور می‌شود؟! به واسطه‌ی علم! علم را چه کسی باید بیاورد؟! قسمتیش را عقل می‌فهمد، قسمتی از این علوم معنوی هم در کتب آسمانی و انبیاء الهی است.



## اهمیت فراگیری مباحث عقیدتی

لذا بر ما واجب هست که همان مطالبی که در ارتباط با کتب آسمانی هست و دستاوردهایی که انبیاء عظام آوردند، همان‌ها را یاد بگیریم؛ یک قسمتش هم که با عقل می‌توانیم به آن برسیم.

◆ اندیشه‌جو:

حالا از یک جنبه‌ی دیگری سؤال را مطرح می‌کنم؛ کسانی چون ما که آمدیم وقت گذاشتیم و نشستیم سر همچین کلاسی، نسبت به اکثریت مردم که دارند زندگی‌شان را می‌کنند و دنبال این بحث‌ها نیستند، ما بنا هست که چه فرقی با آن‌ها داشته باشیم و بناست چه چیزی به ما اضافه شود؟!

یک کسی می‌رود سر کلاس مثلاً تعمیر موبایل، بعداً می‌گوید من از این علم استفاده می‌کنم یک مغازه می‌زنم، روزی‌ام، اموراتم و زندگی‌ام را از این قضیه اکتساب می‌کنم.

حالا ما که آمدیم سر کلاس اعتقادات نشستیم، نسبت به بقیه‌ی مردم چه چیزی به ما اضافه می‌شود؟



## اهمیت فراگیری مباحث عقیدتی

شما فرمودید ما می‌خواهیم به هدف خلقت برسیم که خداوند عالم ما را آفریده برای اینکه معرفت کسب کنیم، حالا این فعلاً نمی‌تواند برای من نوعی انگیزه‌ای باشد! منی که فعلاً نسبت به خود اصل وجود خدا هنوز تردید دارم و با شک آمدم مثلاً سر همچنین کلاسی نشستم، این نمی‌تواند فعلاً انگیزه‌ای برای من باشد که بخواهد ترغیبم کند تا پیام سر این کلاس!

♦ استاد باقرپور کاشانی:

بله! این مباحثی که مطرح شد در ارتباط با کسانی هست که اصل اسلام و وحی را پذیرفتند، اما از آن جهت که بخواهیم بگوییم از باب دفع ضرر محتمل! یک بحث عقلی هست.

اصلاً این جمع را فرض کنید افرادی باشند که اصل اسلام خدا هم شک داشته باشند! این جا وقتی شما نگاه بکنید، می‌بینید در ارتباط با ادیان مختلف، همه تهدید کردند اگر چنانچه دین نداشته باشی، اگه چنانچه عمل نکنی، جهان پس از مرگ، جهان لایتناهی که هست، در جهت نادرست قرار می‌گیری،





## اهمیت فراگیری مباحث عقیدتی

در جهت عذاب قرار می‌گیری! زندگی‌ات را تباه کردی! بسیار خوب! بالاخره بنده هم شک دارم، جا دارد که حداقل ببینم که این مسئله درست هست یا نادرست! همین مقدار از باب دفع ضرر محتمل که این ضرری که احتمال دارد به من برسد، برم ببینم آقا اصلاً حرف‌های شما در مورد خدا چیست؟ این‌ها حرف‌هایی هست که قبول بکنم یا قبول نکنم؟ سپس به یقین برسم، به آسایش برسم، به آرامش برسم، درست بتوانم زندگی بکنم!

اگر به این جا رسیدم که خدا نیست راحت! نه کتابی می‌خوانم و نه نمازی می‌خوانم! هیچی! می‌روم به دنیای خودم می‌چسبم! از این شک در می‌آیم! از اینکه هست! نیست!

از این چیزی که مهم‌ترین دغدغهی بشر هست! دین! دین آیا حقیقت دارد یا حقیقت ندارد؟! به یک آرامشی می‌رسم! و اگر چنانچه رسیدم به این جایی که واقعاً این مسائل درست هست، می‌چسبم اهتمام را می‌ورزم نسبت به این مسائل!



## اهمیت فراگیری مباحث عقیدتی

که آگه چنانچه بعد از مرگ جهانی باشد و حسابی و کتابی باشد، این زندگی هفتاد ساله، اصلاً صد سال! پنجاه سالش که خوابیم! در این پنجاه سال، برنامه‌هایم را به‌گونه‌ای تنظیم می‌کنم که بتواند سعادت من را تضمین بکند، زندگی بی‌نهایت من را بتواند تضمین بکند! هدر نرود!

پس این خیلی مسئله‌ی مهمی هست! از باب دفع ضرر محتمل بر من هست که ببینم بالاخره یک عده می‌گویند خدا هست یک عده می‌گویند خدا نیست! یک عده می‌گویند اسلام بر حق هست، یک عده می‌گویند اسلام باطل است!

یک عده می‌گویند اسلام بر حق هست شیعه حقه هست! یک عده می‌گویند شیعه نادرست است! یک عده می‌گویند در مورد شیعه، زیدیه درست است! اسماعیلیه درست است! واقفیه درست است! یک عده می‌گویند اثنی‌عشری درست است!

باز در اثنی‌عشری...! چطور شد؟! بالاخره این ادعاهایی که می‌کنند به حقیقت می‌خواهند برسند!



## اهمیت فراگیری مباحث عقیدتی

◆ اندیشه‌جو:

ببخشید یک بُعد برای آن کسی که در شک هست، حالا یک بُعد هم برای کسی که نشسته می‌گوید شما این‌جا مثلاً می‌خواهید مذهب شیعه اثنی‌عشری رو اثبات بکنید، من جد اندر جد شیعه بودم شیعه‌زاده بودم قبول دارم این حرف‌ها را، نمازم را می‌خوام روزه‌ام را هم می‌گیرم! چه نیازی دارم که بیایم در این کلاس‌ها بشینم؟! این چیزهایی هست که من قبول دارم، پس نیازی ندارم!

◆ استاد باقرپور کاشانی:

بله! یک چیزهایی که می‌گوید من قبول دارم، خدا را قبول دارم، اسلام را قبول دارم، قرآن را قبول دارم، معاد هم قبول دارم، این بحث‌ها این فایده را دارد:

یک: چه تضمینی هست که تو با شبهه‌ای از پا در نیایی؟! این بحث‌ها ضامن بقاء و اعتقادات صحیح آبا و اجدادی تو هست! چقدر افرادی بودند که شیعه هم بودند، مثلاً چند سال پیش در نیشابور ۳۰۰ نفر مسیحی شدند!



## اهمیت فراگیری مباحث عقیدتی

چقدر افرادی دارند زرتشتی می‌شوند! چقدر دارند لائیک می‌شوند!  
چقدر دارند وهابی می‌شوند! این‌ها فکر می‌کنید که پدر و  
مادرهایشان آدم‌های بی‌دینی بودند؟!

این‌ها مسلمان بودند! گاهی اوقات شیعه بودند! اما این شبهات این‌ها  
را از پا درآورده!

درست دین خودشان را نفهمیدند، ادله و براهین دین‌شان را آگاه  
نیستند، یک مغالطه یک سفسطه که می‌شود، آن ساختمان و آن  
برج سستی که از عقائد و مبانی اسلامی‌شان ساختند، فرو می‌ریزد!  
این باعث می‌شود که آن‌ها برهانی و قوی بشود! یعنی چه؟

یعنی آن جمله‌ای که امام صادق علیه‌السلام فرمودند اگر چنانچه  
کسی این عقائد را با ادله‌ی عقلیه درست فهمیده باشد، کوه متزلزل  
می‌شود اما در عقائد او رخنه ایجاد نمی‌شود! این ضامن بقاء  
اعتقادات شماست!



## اهمیت فراگیری مباحث عقیدتی

نکته‌ی دوم: شما می‌توانید دست خیلی‌ها را بگیرید! این‌هایی که بیمار هستند. بیماری دو جور است: گاهی اوقات بیماری جسمانی هست، گاهی بیماری اعتقادی! پای دوتا شبکه‌ی ماهواره‌ای می‌نشیند، دو تا شبهه می‌بیند، از فردا حرف‌های بی‌پایه و اساس در مورد پیامبر اسلام و دین می‌گوید! شما می‌توانید دفاع بکنید، می‌توانید دست این را بگیرید کمکش بکنید!

اگر شما ببینید که چندین نفر را می‌گیرند اذیت می‌کنند، مثلاً بچه‌ی هفت ساله را در آتش می‌اندازند، جوان پانزده‌ساله را دست‌وپایش را گرفتند انداختند در آتش، جوان بیست ساله را گرفتند انداختند در آتش! آیا شما از باب انسانیت جلوی این‌ها را اگر بتوانید بگیرید، حاضرید بگیرید یا نمی‌گیرید؟! می‌گویید بله می‌توانم بگیرم! حالا این فرقی نمی‌کند طرف را فرض کنید در آتش انداختند، با اعتقادات سالم بود با دین سالم بود، این وارد بهشت می‌شود، اما اگر طرف را کافر کردند بی‌دینش کردند، دارند چی کار می‌کنند؟!



## اهمیت فراگیری مباحث عقیدتی

می آیند از طریق شبههاتی که وارد می کنند، اعتقادات فرد را متزلزل می کنند! این را از دین خارجش می کنند!  
اگر شما این قدرت را داشته باشی می توانی به افراد کمک بکنی! در مقابل افراد مغرض بتوانی بایستی!

و نکته‌ی آخر اینکه برای خودت مهم‌ترین فایده‌ای که دارد یقینت را بیشتر می کند! وقتی شما با ادله‌ی عقلی، براهینی که مو لای درزش نمی رود می گویی باید خدایی باشد! الله واحد هست! خدایی باید باشد!

نمازی که می خوانی شک نمی کنی خدا هست! نیست! یک گرفتاری که پیش می آید شک نمی کنی که خدایا تو داری من را می بینی؟! هستی؟! نیستی؟! این مسائلت حل می شود! به یقین می رسی!  
بنابراین تمام این فوائد را در بر دارد.